

نقش فرهنگ بومی لرستان در ایجاد ادبیات مقاومت

الهام شرفی^۱
کارشناسی ارشد ادبیات فارسی
دانشگاه اراک

چکیده:

مبحث تاریخ و فرهنگ بومی از دیرباز مورد توجه علاقمندان به فرهنگ کهن بوده، با نام «فولکلور» پای به عرصه فرهنگ نو نهاده است. این آداب و رسوم بومی که در اقصی نقاط جهان به چشم می‌خورد نشان دهنده افکار و احساسات اقوام مختلف است؛ سرزمین لرستان نیز از آن جمله است، که قدمت فرهنگ آن به قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد، فرهنگی که آثار و نشانه‌های آن امروزه نیز به چشم می‌خورد. در این جستار سعی بر این است که نقش فرهنگ جنگ و ستیز با دشمن را - که در ادوار کهن در فرهنگ لرستان جایگاه ویژه‌ای داشته است - در ایجاد ادبیات مقاومت مورد بررسی قرار دهیم. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در گذشته وسایلی چون تفنگ، اسب، شمشیر، تبر و... در لرستان دارای تقدس خاصی بوده‌اند زیرا وسیله‌ای برای دفاع از حریم شخصی و جلوگیری از ورود دشمن به مرزبوم به شمار می‌رفتند؛ به همین منظور فرهنگ لرستان با این وسایل مأنوس شده، در اشعار، داستان‌ها و افسانه‌های آن راه پیدا کرده است. امروزه نیز این تقدس در جای‌جای این سرزمین به چشم می‌خورد و همین باعث به وجود آمدن ادبیات مقاومت نه تنها در فرهنگ سرزمین لرستان بلکه در ادبیات ایران نیز شده است.

کلیدواژه: ادبیات مقاومت، ستیز، فرهنگ بومی، فولکلور، لرستان.

1. elham.sharafi24@yahoo.com

در همه عصرها انسان نسبت به قرون گذشته اش حرکتی تصاعدی داشته که باعث پیشرفت در همه جوانب شده است؛ از جمله ساخت وسایل مورد نیاز زندگی، تکلم، ارتباط اجتماعی و... و هر روز که می‌گذشته بر پیشرفتش افزوده می‌شده است. پیشرفتی که امروزه در همه زمینه‌ها شاهد آن هستیم نتیجه تلاش گذشتگانمان برای بهتر شدن زندگی و رفاه بیشتر است و ما نیز برای آیندگانمان همین تلاشها را به سطح بالاتر می‌رسانیم و میراثی ارزشمند از خود بجای می‌گذاریم. فرهنگ و ادبیات امروز که در سراسر دنیا وجود دارد نتیجه و محصول فرهنگ کهن است. گذشتگان دور با خلق داستان‌ها و اشعار بومی خشت اول ادبیات و فرهنگ را بنیان نهادند و به فرزندانمان واگذارند، فرزندان نیز با افزودن شاخ و برگ به داستان‌ها و با خلق داستانی از داستان دیگر بر غنای این فرهنگ افزودند آنچه که امروزه ما با نام فرهنگ بومی می‌شناسیم نضج همان محصولات اول است که سینه به سینه به ما رسیده است، همان فرهنگی که با نام «فولکور» بر تارک فرهنگ مدرن می‌درخشد. فرضیه‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که «آیا فرهنگ و آداب و رسوم اقوام لر در ایجاد حماسه و فرهنگ مقاومت تأثیر داشته‌است؟» در این مقاله برای پاسخگویی به این سوال، ابتدا به بررسی مفهوم کلی فولکلور و ادبیات فولکلور لرستان پرداخته‌ایم سپس نقش فرهنگ بومی در ایجاد ادبیات مقاومت را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

پیشینه تحقیق

در زمینه ادبیات فولکلور کتاب‌ها و مقالات بسیاری به چاپ رسیده است از جمله مقالاتی حاوی سخنرانی‌های دکتر ابوالمقاسم انجوی شیرازی که مفهوم فولکلور را به زیبایی بیان کرده است. همچنین علی اکبر دهخدا که در مقالاتش تحت عنوان «چرند و پرند» به تعبیرهای عامیانه و اصطلاحات عوام توجه داشته است. او علاوه بر سلسله مقالات در گردآوری امثال الحکم نیز اعتقادات عامه مردم را به تصویر کشیده است. امیر قلی امینی اصفهانی که با کتابهای «هزار و یک سخن» و «داستان‌های امثال» در این عرصه قدم نهاد. همچنین محمدعلی جمالزاده با کتاب «یکی بود یکی نبود» به نوعی ادبیات عامه را به تصویر کشیده است. افراد بسیاری در این مقوله تلاش کرده‌اند؛ اما برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر نامشان خودداری می‌کنیم. در زمینه تاریخ و آداب و رسوم لرستان نیز کتاب‌های زیادی به چاپ رسیده است؛ ولی در زمینه ادبیات بومی لرستان متأسفانه آثار زیادی در دست نیست از این دست می‌توان از کتاب «چل سرو» نوشته علیمردان عسکری عالم و یا «لرستان در شعر شاعران» به کوشش دکتر فتح الله شفیع زاده نام برد. همچنین در زمینه ادبیات مقاومت مجموعه شعر «به وسعت درخت سیب» با موضوع دفاع مقدس به کوشش عبدالرضا شهبازی منتشر شده است.

اهداف تحقیق

اهداف این تحقیق عبارتند از :

- بررسی جایگاه و خاستگاه قوم لر (کاسیت)

- تبیین معنا و مفهوم فولکلور و زیر مجموعه‌های فولکلور در فرهنگ لرستان

- تبیین مفهوم کلی حماسه

- بررسی فرهنگ لرستان در ایجاد ادبیات مقاومت

- جلوه ادبیات مقاومت در موسیقی لرستان

1- قوم کاسیت (لر)

کاسیت قومی باستانیست که در حدود ۴۰۰۰ سال قبل در رشته کوه‌های زاگرس می‌زیستند. بسیاری از باستانشناسان به آنها لقب بومیان زاگرس یا بومیان ایران را دادند چراکه مدت‌ها قبل از اینکه آریایی‌ها به ایران مهاجرت کنند در زاگرس حضور داشتند. در کتب تاریخی متعددی ناحیه سکونت کاسیان یا کاسیت‌ها را شمال دشت سوزیانا (خوزستان) و لرستان فعلی می‌دانند؛ از این رو به احتمال زیاد بایستی به نژاد خالص قوم کاسیت را در میان لرهای لرستان فعلی جست. بر پایه کاوش‌های صورت گرفته و کشف آثار به جای مانده از این قوم آداب و رسوم لرهای فعلی لرستان به کاسیت بسیار نزدیک است.

قوم کاسیت به خاطر هنر مفرغ‌سازی‌شان در سراسر دنیا معروف هستند، این قوم 576 سال بر بابل حکومت کردند و این شهر بزرگ و باستانی آن زمان را، به زیر سلطه خویش درآوردند. کاسیان هیچ‌گاه شکست نخوردند مگر به دست دولت ایلام که توانست کاسیان را از بابل بیرون براند. و این باعث شد که کاسیان به موطن اصلی خود یعنی «لرستان» بازگردند. کاسیان پس از بازگشت از بابل و بین‌النهرین بیکار ننشستند و توانستند هنر مفرغ‌سازی را به اوج خود برسانند به طوری که رومن‌گیرشمن باستانشناس معروف معتقد بود که اوج هنر ایرانیان باستان در هنر برنزهای لرستان می‌باشد البته او سازنده‌گان اشیای مفرغی را کیمریان می‌داند. (گیرشمن، 1386: ص 76)

کاسیت‌ها بر حکومت‌های پس از خود نیز تأثیرات به‌سزایی گذاشتند از جمله اینکه در طرز کوچک نمودن تصاویر، آنان پیشوای هنرمندان جانورنگار عهد هخامنشی بوده‌اند. (همان: ص 120)

به عقیده محمد سهرابی (نویسنده کتاب لرستان و تاریخ قوم کاسیت) لباس شال و ستره‌ایی که امروزه در میان مردمان لرستان رایج است همان لباسی است که کاسیان می‌پوشیده‌اند. (سهرابی، 1376: ص 120) به طوری

که مینورسکی عقیده دارد که مردم امروز لرستان از نسل قوم کاسیت می‌باشند. در کتاب «دلاور زاگرس» در توصیف این قوم نوشته شده است: «لرها بنیانگذار اصلی امپراطوری عیلام در روزگار قدیم و قبل از مادها بوده‌اند و مفرغ‌هایی که در لرستان به دست آمده حکایت از تاریخ پرشور و باستانی این سرزمین دارد. مفرغ‌های لرستان در دنیا بی‌نظیر است.» (لشنی، 1387: ص 102) «کشف فلز مفرغ در هزاره سوم پیش از میلاد، آغازگر عصر دیگری در زندگی بشر بود. لرستان را باید یکی از مهم‌ترین مراکز ساخت اشیای مفرغی در ایران دانست. از مهم‌ترین آثار مفرغی لرستان، ادوات اسب سواری چون دهانه و لگام، اشیای زینتی چون دستبند و سنجاق سر، ابزار کار چون تبر و خنجر و نمادهای مذهبی قبیله‌ای (توتم) است.» (محمدپناه، 1388: ص 15)

«لرستان پیش از اسلام در عهد حکومت عیلامیان، مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان یکی از مهم‌ترین نقاط ایران زمین و از شاهراه‌های ارتباطی آن دوران بوده‌است. شهرهایی چون «سیماش»، «خایدالو»، «شاپورخواست»، «ماداکتو» و... در آن زمان از شهرهای آباد، بزرگ و مهم ایران محسوب می‌شده‌اند. آثار به جای مانده از دوران پیش از اسلام به خصوص قلعه‌ها، پل‌ها، معابد، مقابر، باقیمانده شهرها و تپه‌های باستانی و غیره، شرح دهنده تاریخ درخشان این مرز و بوم است.» (جمشیدی 1387: ص 14)

2- فولکلور

فولکلور (Folklor) واژه‌ایست که در همین قرن اخیر وارد فرهنگ‌ها شده است. «تعریف‌های بسیاری در مورد این واژه وجود دارد، این تعریف‌ها گاه به هم نزدیکند و گاه فاصله‌ای نسبتاً بعید از هم دارند این اختلافات بیش از هرچیز به استنباط‌های متفاوتی مربوط می‌شود که نسبت به دو جزء این اصطلاح در میان پژوهشگران وجود دارد در حقیقت، مفهوم این اصطلاح ارتباطی مستقیم با تعریفی دارد که از folk (مردم یا عامه) و lore (فرهنگ) صورت می‌گیرد.» (جعفری قنواتی، 1384: ص 102) «اگر بخواهیم معنی صحیح و مطابق با مفهوم درست آن را در فارسی بیان کنیم باید بگوییم فولکلور یعنی مجموعه دانش مردم، فرهنگ مردم، سواد توده مردم، معلومات عامه و معلومات عوامانه، زیرا همانطور که ما ادبیات رسمی داریم ادبیات عوامانه نیز داریم همانطور که طب و حکمت رسمی داریم طب عوامانه هم داریم. مجموعه اینها را در اصطلاح بین ملل فولکلور می‌گویند و در ایران فرهنگ توده مردم گفته می‌شود.» (انجوی شیرازی، 1371: ص 22) همین افکار عوام باعث به وجود آمدن اعتقادات و خرافه‌ها شده است. «ادبیات عامه یا ادبیات توده یا فرهنگ عوام یا فولکلور در مقابل ادبیات رسمی است که مخلوق ذهن مردم با سواد و تحصیل کرده است و مجموعه‌ای است از ترانه‌ها و قصه‌های عامیانه، نمایش نامه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، سحر و جادو و طب عامیانه که در میان مردم ابتدایی و بی‌سواد رواج دارد. براساس این استنباط‌ها و تعاریف، جوامعی که اکثریت مردم آنها قادر به نوشتن و خواندن باشند، فاقد فولکلور هستند. بر اساس این تعاریف، همچنین می‌توان گفت در جوامعی نیز که سواد خواندن و نوشتن عمومیت پیدا

نکرده است، آن گروه‌هایی که از نعمت سواد برخوردارند، فاقد فولکلور هستند.» (جعفری قنواتی، 1384: ص 103) کهن الگوها نیز در این مقوله قرار دارند زیرا صورت‌های مشترکی هستند که با سابقه چندین هزار ساله از اجداد بشر نسل به نسل منتقل شده و در گوشه ضمیر ناخودآگاه جای گرفته‌اند. این صورت‌ها برای رسیدن به مرز خودآگاهی در نمادهای گوناگون طبیعی جلوه‌گر می‌شوند. ناخود آگاه جمعی انسان، مضامینی دربردارد که یونگ آنها را آرکی تایپ می‌داند. کهن الگوها گرایشهای ارثی مشترکی هستند که انسان در موقعیت‌های گوناگون از خود نشان می‌دهد. «آرکی تایپ یک ایده انتزاعی است و می‌توان گفت که مختصه بارز مشترک بین گروهی از امور و اشیاء و موجودات است و یونگ به آن (primordial images) یعنی صور بدوی و اولیه گفته است که طرح و الگوی کلی و باستانی رفتارها و پندارهای ما را به وجود می‌آورند. این صور، جهانی و همه زمانی و همه مکانی هستند، یعنی در همه زمان‌ها و در همه جا به یک شکل عمل می‌کنند و پدیدار می‌شوند. این صور از اجداد ما به ما منتقل شده‌اند و ما همه در سیطره آن‌ها هستیم. لذا به قول کادن مسائل بنیادی و فطری حیات بشری چون تولد، رشد، عشق، خانواده، مرگ، تضاد بین فرزندان و والدین، رقابت دو برادر جنبه کهن الگویی دارند» (شمیسا، 1378: ص 242) آرکی تایپ‌ها در ادبیات معمولاً به صورت سمبل نمود پیدا می‌کنند از این رو در آثاری که می‌خواهد به مطالعه آرکی تایپ‌ها در یک متن ادبی بپردازد معمولاً سمبل‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

2-1- فولکلور در لرستان

ادبیات فولکلور شامل دو بخش آداب و رسوم و ادبیات شفاهی است که ادبیات شفاهی به رقص‌ها و آیین‌ها، لالایی‌ها و قصه‌ها می‌پردازد سرزمین لرستان با اینکه از قدمت زیادی برخوردار است متأسفانه ادبیات بومی‌اش ضعیف است و این ناشی از کم توجهی محققان در زمینه فولکلور است. ادبیات بومی لرستان بیشتر به صورت شفاهی وجود دارد و آثار مکتوب آن نادر است. و این ادبیات شفاهی نیز در اختیار افراد مسن و قدیمی می‌باشد و تنها راهکار حفظ این ارزشهای محلی این است که هرچه سریع‌تر این ادبیات و فرهنگ‌ها به صورت مکتوب ثبت و ضبط شوند زیرا با از میان رفتن این افراد ما نیز از این فرهنگ و ادبیات بی‌بهره خواهیم شد.

2-1-1- چهل سرود (چل سرو)

لرستان به واسطه موقعیت جغرافیای کوهستانی، ساکنان خود را عمیقاً به شعر، این هنر دیرمان بومی گرایش داده است. «شعر بعد از «مفرغ»، درخشان‌ترین هنر طول تاریخ لرستان است؛ لرستانی که به جرأت می‌توان گفت سرزمین «ترانه» هاست. در این فرهنگ، شعر در بطن زندگی جریان دارد و زندگی در بطن شعر تکوین

می‌یابد. شعر در همه جای زندگی «لُر» حضور دارد؛ در کار و تلاش، در عشق و اندوه، در شیون و شور، در جنگ و دلاوری، در اوج باورهای مذهبی و حتی هنگام سرگرمی...» (زیودار، 1376: ص 96)

«چل سرو به معنی چهل سرود، یا چهل تک بیت است که همچون فال حافظ برای پی بردن به قصد کاری یا نیتی که فال گیرنده در دل دارد انجام می‌گیرد. این شیوه کار در لرستان و غرب کشور به «فال چل سرو» معروف است. زیرا از تعبیر و تفسیر این ابیات است که پی به نیک یا بد بودن موضوع می‌برند.» (عسکری عالم، 1390: ص 7) در زیر به چند نمونه از این ابیات اشاره خواهیم داشت:

«خُدا کم شُکری رسیم وَ مَطْلُوبُ دَلِم ساکت بی ژه پزاره شو»

معنی: خدا را شکر میکنم که به مطلوب و خواسته‌ام رسیدم و دلم از خواب و پریشانی‌های شبانه رهایی یافت. (عسکری عالم، 1390: ص 11)

«کَل پیره کردی رمه رم کردی کَل کش ژه کِلل یکی کم کردی»

معنی: صدای کل کوهی رمه «گله» شکار را رم داد، اما شکارچی ماهر یکی را شکار کرد. (همان: ص 66)

«مِه دوسِ مه می تا سردوسِ بو مه کَل به کشیم نو کَل پوسیم بو»

معنی: من به دوستی نیاز دارم که همیشگی باشد، رفیق شکار و شکارگاه من هم باشد. (همان: ص 101)

2-1-2- داستان‌های محلی

در ادوار و قرون گذشته داستان‌های محلی در شکل‌گیری افکار کودکان و حتی بزرگسالان تأثیر بسیاری داشت. این داستان‌ها که اغلب درباره نبرد خیر و شر، دیو و انسان و یا همانند کلپله و دمنه از زبان حیوانات نقل می‌شد که در آن نیز شخصیت‌های حیوانات براساس نوعشان مثبت یا منفی بود. در داستان‌هایی که محتوایشان نبرد و ستیز علیه دشمن بود، شنونده خود را در جایگاه شخصیت قوی و مثبت تصور می‌کرد و این افکار باعث می‌شد که در امور مشابه احساس شجاعت و دلیری از خود نشان دهد. داستان‌های «ملک جمشید و چهل گیسو»، «دانه انار و هفت برادر»، «شهر حاکم کش»، «مادیان و چهل کرّه» از این قبیل‌اند. مثلاً در داستان «دانه انار و هفت برادر»، «دانه انار» نام دختر است که پس از چند سال دوری از برادرانش، عاقبت آنها را می‌یابد؛ ولی پس از چند روز توسط دیو ربوده می‌شود، هفت برادر او به جنگ دیو می‌روند و پس از شکست و کشتن دیو، خواهر خود را به خانه برمی‌گردانند. در این داستان‌ها همیشه شخصیت مثبت به وسیله کارهای خارق‌العاده پیروز می‌شد، و این

پیروزی خیر بر شر نمادی از خوی و خصلت مهربان مردم این سرزمین است که همواره خواهان خوشی‌ها و عاقبت به خیری هستند.

2-1-3- چنه چنه (چیستان)

چیستان که در گویش لری آن را به نام «چنه چنه» می‌شناسند؛ نوعی سرگرمی و بازی هوش سنجی محسوب می‌شود که در گذشته در شبهای دراز زمستان افرادی که خانه هایشان یا همان سیاه چادرها که با محبت و صمیمیت در کنار هم بنا شده بود با نشستن در اطراف آتش گرم هیزم و با گفتن چیستان یا همان چنه چنه و قصه؛ شب‌های طولانی زمستان را سپری می‌کردند و این چیستان‌ها و قصه‌ها را سینه به سینه و نسل به نسل منتقل می‌کردند. در زیر به چند نمونه از این چیستان‌های محلی اشاره می‌کنیم:

«چادرِ یه تیلکی پرده هزاری بی طناف کَشیة بی دِ مرغزاری»

آن چیست: چادر (خیمه) یک پایه‌ای که دارای پرده‌های بسیاری است بدون طناب در دشتی برافراشته بود؟

جواب: قارچ

«دُنو تیز و دُم باریک می‌که و دَر شو تاریک»

آن چیست: دندان تیز دم باریک/میاد بیرون شب تاریک؟

جواب: موش

«شهرش سُر و سُرخاوی، مردمش سی نوم آوی»

آن چیست: شهرش سرخ و سرخابی است، مردمش سیاه در آبی است؟

جواب: هندوانه (ر.ک. عسکری عالم، 1390: ص 261)

3- حماسه

در لغت نامه دهخدا اینگونه گفته‌اند که حماسه عبارت است از دلیری کردن، شجاعت نمودن و نیز اشعار حماسی سرودن است. حماسه گونه‌ای از متون است که به توصیف اعمال پهلوانی و افتخارات و بزرگی‌های قومی و فردی

می‌پردازد. محققان منظومه‌های حماسی را به دو نوع تقسیم کرده‌اند: منظومه‌های حماسی طبیعی و ملی که خود به دو گونه حماسه‌های اساطیری و پهلوانی مانند قسمت عمده‌ای از شاهنامه و منظومه‌های حماسی تاریخی مانند اسکندرنامه بخش می‌شود و منظومه‌های حماسی مصنوع همچون: «حمله حیدری» اثر باذل مشهدی. اسطوره‌شناسان هم حماسه را اینگونه معنی کرده‌اند که عبارتست از نوعی داستان که شخصیت اصلی با پهلوانان و قهرمانانی است که کارهای خارق العاده انجام می‌دهند. در ایران نمونه‌های بسیاری از حماسه وجود دارد که بزرگترین آن شاهنامه فردوسی است. «سرزمین کهن و دیرسال ما ایران، تاریخ خونین و شگفتی دارد. آسمانش شاهد شکوه‌ها و شکوه‌های مردمی است که همواره بر راستی و نیکی استوار بوده‌اند. سه هزار سال پیش معابد این مُلک، سرود نیایش یزدان را زمزمه می‌کردند و عدل و داد و مهر و پاکی را می‌ستودند. ایرانیان ملّتی هستند که عمری به درازای تاریخ دارند و در صفحات حیاتشان، آنچه می‌ماند حماسه است و روشنایی و عشق و دیگر هیچ.» (جمالی، 1373: ص 6)

3-1- منشأ حماسه ملی

«چون به نخستین ادوار حیات ملل نظر کنیم می‌بینیم هیچ ملتی به وجود نیامده و به تحصیل استقلال و تحکیم مبانی ملیت توفیق نیافته‌است، مگر آنکه اعصار و دوره‌های خطر را گذرانده و به اعمال پهلوانی دست زده باشد و بزرگان و پهلوانانی از او پدید آمده باشند که در ذهن وی اثری بزرگ برجای گذارند. این خاطرات مایه ظهور روایاتی گشت که دهان به دهان و سینه به سینه نقل شد و از مجموع آنها تاریخ ملل قدیمه و اولی پدید آمد. روایات و حکایات مذکور آخر کار منتهی به تاریخ‌های مدون گشت و احياناً بر آنها افزوده شد؛ اما به هر حال روایاتی پراکنده و بی نظم بود که هر قسمتی از آن را کسی به یاد داشت و برای گردآوری آنها نهضتی و اقدامی لازم بود. این کار بزرگ اغلب و نزدیک به تمام موارد به همت کسانی صورت گرفت که به ذکر مفاخر ملی و بیان پهلوانی‌ها و قهرمانی‌های نیاکان خویش علاقه داشتند. به عقیده گروهی از محققان شعر حماسی از شعر غنائی متأخر و حتی نتیجه و دنباله آن است زیرا بنابر آنچه از ظواهر امر برمی‌آید آدمی زودتر از آنکه به وصف حوادث خارجی و اجتماعی و یا سایر امور بپردازد خود را با سرودهای مذهبی یا عشقی و یا اساطیری که بیشتر جنبه غنائی داشت سرگرم می‌کرد. (ر.ک. صفا، 1384: صص 13-14)

3-2- حماسه در لرستان

آنچه در حافظه تاریخی ملتی برای همیشه می‌ماند، حماسه‌هایی است که در دفاع از حیثیت و شرف انسانی به وجود آمده است. تاریخ به یاد ندارد که پیشقراولان ستم و طلایه‌داران جور، حماسه‌ای آفریده باشند. حماسه

مولود مظلومیت و درستی است. مردانی که پای اعتقاداتشان را با خون سرشان امضاء می‌کنند و شرافت انسانی را پاس می‌دارند. در داستان «دلاور زاگرس» نیز یکی از شاهزادگان هخامنشی که از سرزمین ماد (لرستان) عبور می‌کند مردمان این سرزمین را اینگونه توصیف می‌کند: «مردم این قسمت‌ها را لر گویند. آنها در تاریخ ایران زمین، مردمانی سلحشور و تعیین کننده در نظام لشکری و کشوری بوده‌اند. لرها هرگز در طول تاریخ ایران زمین، باهیچ دشمنی سازگار نبوده‌اند و تاریخ هرگز به یاد ندارد که قوم لر، به مملکت ایران خیانت کرده باشد.» (لشنی، 1387: ص 101)

در دیار کهن لرستان افراد بسیاری در راه وطن و حفظ این مرزوبوم تلاش نموده‌اند. در زیر به چند نمونه اشاره خواهیم داشت:

«قدم خیر» به عنوان مشهورترین زن لر که تصویری کامل از زن لر در او دیده می‌شود، و نام او بر تارک تاریخ لرستان می‌درخشد زنی از طایفه قلاوند، ایل دیرکون منطقه بالاگریوه که با شجاعت خود آوازه ای بسیار پیدا کرده و اینک نام او به عنوان اسطوره‌ای از یک زن سلحشور در فرهنگ لرستان جاویدان است. در ابتدای دوره پهلوی زمانی که تازه نیروهای نظامی و ارتش به لرستان و منطقه الوار گرمسیری آمده بودند، میان سربازان و برادران قدم خیر مبارزه و جنگ در گرفت. قلاوندی‌ها مانع ورود نظامیان به منطقه خود شدند و قدم خیر با برادران خود در این جنگ همراه و هم رزم بود. یکبار نیز که برادرانش در محاصره نظامیان پهلوی بدون آب و فشنگ قرار گرفته بودند، این قدم خیر بود که سوار بر اسب و بدن هیچ ترسی مشک آب و قطار فشنگ را به سنگر برادران خود رسانده و آنان را نجات داد. قدم خیر نام مقامی حماسی از موسیقی لری است که چهار ضربی و از جمله حماسی های قبیله ای است. زیرا قهرمان اصلی آن شیر زنی بنام قدم خیر است. اشعار زیادی در وصف دلاوری قدم خیر سروده شده است. در زیر به یک نمونه اشاره خواهیم کرد:

«قدم خیر!

برنوی کهنه ات کجاست؟

سربازان اجنبی دارند به ایل می رسند

قطار و فشنگت را

تمام غیرت زمین و دشت را بردار

چقدر "تنگ فنی" به طنین گامها و غرش برنوی تو نیاز دارد!

(شعر از احد چگنی به نقل از وبسایت "لرستان کوچک قزوین")

دکتر «هوشنگ اعظمی» نیز از حماسه سازان این مرزو بوم است که نامش همچون نگینی درخشان تالوئی ابدی به این دیار بخشیده‌است او پزشک لرستانی و از فعالان، در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت بود وی به دلیل عقاید ملی‌گرایانه و مخالفت با حکومت پهلوی بارها توسط سازمان ساواک دستگیر شد. وی در سال ۱۳۵۵ در جریان درگیری مسلحانه با ماموران ساواک کشته شد.

اکثر طوایف لرستان همواره در برابر حملات دشمنان ایستادگی می‌کردند. در جنگی که رضاخان با نیروهای مسلح به لرستان حمله کرد طوایف لر بیکار ننشستند بلکه با همبستگی و اتحاد به مقابله برخاستند. از آنجا که بیشتر درگیری‌ها در کوهستان بود لذا اکثر جنگ‌ها از نوع جنگ‌های قدیمی بود. همه لشکرکشی‌ها تحت فرماندهی مستقیم افسرانی انجام می‌شد که از هم‌قطاران نزدیک رضاخان به حساب می‌آمدند و «با این اتحاد انسجام بیشتری یافته در تاریخ 18 اردیبهشت 1303 از هر سوی به خرم‌آباد یورش برده، در نبردی سخت پادگان شهر را به محاصره خود درآوردند.» (جمالی، 1373: 39) از دیگر طوایفی که همواره در عرصه سیاست حضور داشته قوم چگنی است؛ یکی از خصوصیات بارز خاندان بزرگ چگنی این است که در هر دوره‌ای از تاریخ در برابر ناملایمتی‌ها سکوت نکرده، بپای خواسته‌اند و با روشنفکری بی‌نظیرشان سعی در گشودن راهی برای نجات بوده‌اند. ازینرو در دوره‌های بسیاری از تاریخ از جمله دوره شاه عباس صفوی (اولین دوره) و دوره رضاشاه پهلوی اکثر این روشنفکران را به مناطق دیگر از جمله: قزوین، همدان، مرکزی، شیراز، گیلان و... تبعید نموده‌اند. برای اطلاعات بیشتر در مورد این قوم می‌توانید به کتاب تاریخ معاصر چگنی از بهمن آزادی چگنی مراجعه کنید.

شعر تبعیدی از شاعر معاصر احد چگنی اشاره به این وقایع دارد. در زیر به ابیاتی چند از این سروده ارزشمند اکتفا می‌کنیم:

«سلام شاپور خواست!

مرا به یاد می‌آوری؟

من از بیلاقی ابدی می‌آیم

از دوردستی همیشگی

از جایی که نام کوچکم قندیل بسته است

از پشت 360 سال تنهایی و غربت...» (شفیع پور، 1383: ص 81)

همچنین روحانیون بسیاری در جنگ تحمیلی علیه دشمن قیام نمودند از جمله میرزا حسین احمدی چگنی، قاسم محمودی، علی کوشکی و... (ر.ک. دریکوند، 1384)

4- ادبیات مقاومت

ایستادگی در برابر بیدادگری‌ها و نظام‌های ظالم، در تاریخ همه ملت‌ها و جامعه‌ها دیده می‌شود. هنگامی که یک ملت یا جامعه به مبارزه با عوامل استبداد داخلی یا خارجی برمی‌خیزد، از سروده‌ها و نوشته‌هایی بهره می‌گیرد که موضوع اصلی آن‌ها دعوت به مبارزه و پایداری در برابر بیدادگران است. این نوع سروده‌ها و نوشته‌ها را «ادبیات پایداری» یا «ادبیات مقاومت» می‌گویند.

در ادبیات پایداری اصلی‌ترین مسائل عبارت‌اند از:

1- دعوت به مبارزه و تحمل سختی‌ها و مشکلات آن

2- بیان بیدادگری‌ها و تصویر چهره بیدادگران

3- ستایش آزادی و ازادگی

4- نشان دادن افق روشن پیروزی که ره‌آورد تلاش، وحدت، همدلی و مبارزه مستمر است.

5- ترسیم مظلومیت مردم

6- بزرگداشت و ستایش مردم مبارز و شهدای راه آزادی

اگر با دیدی وسیع‌تر به ادبیات پایداری بنگریم، همه سروده‌ها و نوشته‌های شورانگیزی که در طول تاریخ، بیدادگری و بیدادگران را محکوم کرده‌اند و ازادگی و ازادگان را ستوده‌اند، جزء ادبیات پایداری خواهند بود.

«در شعر مقاومت مخاطب، توده‌های مردم‌اند. پس شاعر، شعر را چون سلاحی آتشین در خدمت آرمان‌های اجتماعی و مردمی به کار می‌گیرد. به همین خاطر شعر کم بهره از نمادهای پیچیده و روشنفکرانه، به بیانی تند و کوبنده می‌گراید تا بیدارگر، برانگیزاننده و هیجان‌آفرین باشد.» (روزبه، 1381: ص 96-97)

4-1- ادبیات مقاومت لرستان

اشعار حماسی لری، بسیار زیاد و قابل توجه هستند البته خلاف حماسه‌های ملی که معمولاً عنصر تخیل و وجود قدرت های ماورایی و شکل داستانی مهمترین ویژگی آنهاست اشعار حماسی لری واقعیت دارند و عنصر تخیل در آنها کمتر دیده می شود. در لرستان " ترانه دایه دایه وقت جنگ "، " تفنگ دردت به جونم " در اشعار بختیاری ترانه ی "جنگ جنگه ترک جنگ سی م ننگه" اشعار مربوط به دلاوری های شیر علی مردان خان بختیاری و دیگر دلاوران بختیاری مانند "صیدال" همچنین تصنیف "مر جنگ مر جنگه خدا دونه جنگ تفنگه" و در اشعار حماسی بویر احمد می توان به اشعار مربوط به دلاوری های کی لهراسب و میر غلام می توان اشاره کرد.

«آنچه امروزه به عنوان ادبیات پایداری در لرستان وجود دارد بعضاً کتاب‌های منتشر شده‌ای است که در این حوزه به خوبی نتوانسته تمام ظرفیت رزمندگان دوران دفاع مقدس لرستان را در هشت سال دفاع مقدس به درستی نمایش دهد. عوامل متعددی در این زمینه باعث شده که این مهم به سرانجام نرسد و لرستان حتی در میان استان های هم جوار خود مانند ایلام، کرمانشاه و همدان نتوانسته توفیقاتی حاصل نکند. اگر عواملی را که باعث خروج و چاپ آثار رزمندگان لرستان می شود را به سه ضلع یک مثلث که دو ضلع آن نویسندگان و رزمندگان و ضلع دیگر آن مدیران فرهنگی باشند تقسیم کنیم در لرستان این سه ضلع به درستی نتوانسته در کنار یکدیگر قرار گیرند. که مهمترین ضلع این مثلث مدیران فرهنگی هستند که باید ارتباط دهنده بین هنرمندان و رزمندگان دوران دفاع مقدس باشند؛ اما تا کنون این نقش نتوانسته توسط مدیران فرهنگی ایفا شود. دیگر عاملی را که باعث کندی این روند شده است می توان خود رزمندگان دوران دفاع مقدس دانست که شاید در بیشتر مواقع تن به مصاحبه و گفتگو نمی دهند و همین باعث می شود که خیلی از خاطرات آن دوران به علت گذشت زمان از یاد و خاطره خود رزمنده برود و باعث شود که بخشی از هویت فرهنگی و تاریخ دفاع مقدس ما از بین برود. اما نقش هنرمندان، نویسندگان و روزنامه نگاران که به عنوان ثبت کننده این لحظات هستند، بسیار مهم است؛ نباید هنرمند ما به علت بی میلی و یا کم توجهی مدیر و یا مسئول فرهنگی، صحنه را ترک کند چرا که در بیشتر مواقع نگاه مدیران فرهنگی ما نگاهی سود و زیان به برنامه هست و در بیشتر مواقع بیان کار و عدد و ارقام مهمتر از چاپ نگاه منتقدانه یک رزمنده، برای مدیر سود دارد. نسل امروز ما دیگر نگاه سیاه و سپید به موضوع جنگ را نمی پسندد در این میان رفتارهایی خاکستری وجود داشته که باید بیان شوند. در کنار بیان

این موضوع می‌توان شکست‌ها و پیروزهای توأمان رزمندگان اسلام را ثبت و ضبط کرد و این برای نسل امروز که از جنگ درکی نداشته، یا چیزی از آن به یاد ندارد قابل فهم‌تر خواهد بود. و این مهم باید توسط هنرمندان که امروز در خاکریز اول جنگ نرم وجود دارند به سرانجام برسد. امروز ما نباید از گفتن بعضی از ناکامی‌های دوران جنگ ترس داشته باشیم چرا که این جنگ از سوی ما آغاز نشده بود بلکه تهاجم از طرف دشمن آغاز شد و دفاع رزمندگان ما در آن دوران خود بزرگترین دستاورد و پیروزی را در آن هشت سال برایمان به ارمغان آورد.» (شهبازی، به نقل از وبسایت شاعران پارسی زبان)

4-1-1- شاعران مقاومت سرا

در لرستان شاعران زیادی در زمینه مقاومت شعر سروده‌اند اما برای جلوگیری از اطاله کلام به ذکر نام چند تن از این بزرگواران بسنده خواهیم کرد.

عبدالرضا شهبازی، شاعری است با روحیه‌ی طبیعت‌گرایانه که هیچ گونه ستیزی با مظاهر پیرامون خود ندارد. به تعبیری در اشعارش عناصر ستیز جز در پاره‌ای سروده‌ها دیده نمی‌شود. فقدان عناصر ستیز، جدای از چند شعر و البته اشعار دوران مقاومت - جنگ هشت ساله - و دوران دفاع موجب شده، تا زبان شعر این مجموعه‌ها، زبانی نرم، لطیف، ساده و منعطف باشد. در شعر شهبازی، به جز پاره‌ای اشعار، کمتر مفاهیم و مضامینی چون؛ فرهنگ، دین، مذهب و ایدئولوژی دیده می‌شود. هرچند جهان شعر شهبازی، جهانی است که در بطن و متن آن نوعی آرامش وجود دارد که مخصوص جهان کیهانی و انسان عصر اساطیر است، بی آن که در شعر او ردپایی از این جهان کیهانی - اساطیری - دیده شود. تألیفات این هنرمند بزرگ کتاب‌های: «بر مدار صاعقه و حیرت»، «چرا اینقدر از گریه‌های من لذت می‌بری»، «نمی‌خواهم کسی خواب‌های مرا ببیند»، «آیینها به تو سلام می‌کنند»، «حضور گزیده‌ی شعر دانشجویان ایران»، «یک کوفه غربت»، «به وسعت درخت سیب»، «همه‌ی اردیبهشت‌های جهان»، «در گذرگاه فرشتگان»، «عطر یاس»، «کمی غدیر بیاور»، «در سایه‌ی کلمات» که مجموعه‌ای دو جلدی گفت‌وگو با هنرمندان و پژوهشگران لرستان است و دیگر این که آخرین مجموعه شعر با نام «وقتی تو آمدی من مرده بودم» می‌توان اشاره کرد که حاصل تجربه‌های شاعر از سال ۱۳۷۳ تا کنون است. مجموعه شعر «از تبار آتش و خون» و «به وسعت درخت سیب» گزیده اشعار دفاع مقدس شاعران لرستانی که توسط این بزرگوار تألیف شده است.

در شعر شهبازی، نه ردی از اسطوره‌های انسان کهن تاریخی دیده می‌شود و نه نگرشی کیهانی! اما گویی شعرش در بطن جهانی سیر می‌کند که در آن، شاعرش، میلی کیهانی دارد و آرامش و طمانینه‌ی انسان پیش از تاریخ را.

شعر "ذوالفقار مهربان"، یک شعری عاشورایی است و نیز چند شعر با مضمون جنگ و حماسه، در حال و هوای شعر پایداری سروده شده‌اند، تعلقات شاعر را به این ارزش‌ها نشان می‌دهد. از دیگر شاعران شعرمقاومت لرستان می‌توان از «محمدکاظم علیپور»، «عبدالرضا فریدزاده»، «محمدرضا روزبه»، «نصرت‌الله مسعودی»، «ابراهیم بولحسنی»، «یوسفعلی میرشکاک» و... نام برد.

امروزه شاعران جوان بسیاری نیز پا به عرصه ادبیات و ادبیات مقاومت می‌نهند و عشق و حب وطن را با خاطرات پدرانشان در هم می‌آمیزند و معجونی از پایداری را عرضه می‌دارند. شاعر جوان امروز جنگ تحمیلی را تمام شده می‌داند و می‌کوشد به عنوان نسلی که جنگ را از نزدیک حس نکرده است، برداشت‌ها و پیامدهای شخصی، اجتماعی و حتی سیاسی آن را در زندگی امروز در دهه 80 به تصویر بکشد و با زبان شعر درآمیزد. از شاعران جوانی که صحنه‌های دفاع مقدس و ادبیات پایداری را ترسیم نمودند می‌توان از «ایرج زنگنه»، «میثم جعفری»، «فاطمه بیرانوند» و... نام برد. در زیر به یکی از سروده‌های مقاومت به نام «تفنگ» سروده یوسفعلی میرشکاک اشاره‌ای خواهیم داشت:

«ای دل ای تفنگ شعله ور! چرا

بوی خون نمی دهد تپیدنت

لک لکی نمی پرد ز غرشت

آهوپی نمی رمد ز دیدنت

ای دل ای تفنگ برنوی پدر!

زیر سقف سینه ی سیاه من

همچو آگینه ای شکسته ای

ماندی و شکسته تر نگاه من

در تو ماند و بال وا نمی کند

چون کبوتری بریده بال و پر

او نمی پرد، تو پُر نمی شوی

از هرای مرگ، برنوی پدر!

لایق نگاه مرده ی منی
نه نگاه گرم ماده آهوان
خونمی کنی چرا به این نگاه
چون سگ گری به مشت استخوان

کهنه ای تو و پسند خاطر
هیچ کس به جز پدر نمی شوی
او دگر نمی شود چنان که تو
تو چنان که او ، دگر نمی شوی

چون تنور سرد مادرم تهی
از حضور شعله های آتشی
بس کن ای دل ، ای دل تباه من
خنده آور است از تو سرکشی

دیدم آن غزال وحشی جنوب
از تو گرگ پیر وحشتی نکرد ؟
دیدم آن پلنگ جنگل شمال
حرمت ترا رعایتی نکرد

هیچکس ترا زمن نمی خرد
ای دل من ای تفنگ دیر سال
بر جدار دنده های خسته ام

سر بنه ز درد خویشتن بنال» (علیپور، 1376: ص 116)

4-1-2- موسیقی و ترانه مقاومت

اکثر اشعاری که در وصف وطن و جنگاوری سروده شده‌اند به صورت تصنیف درآمده، با ریتم دل‌انگیز حماسی با روح و خون مردم آمیخته شده‌اند. از ترانه‌سرایان مشهور لرستان که با حنجره دردمند خود غم و شادی مردم این

دیار را بر تارک سپیدکوه نشانده است ایرج رحمانپور است. شناخت عمیق رحمانپور از موسیقی، شعر، ادبیات، زبان و فرهنگ بومی، دست‌یابی بی‌مانندش به چکامه‌ها و نغمه‌های فراموش شده که حاصل ذوق سرشار و سال‌ها مطالعه و هم‌نشینی فروتنانه با طبقات مختلف اجتماع شهری و روستایی است و از او هنرمندی صاحب سبک و بی‌بدیل ساخته است ترانه‌های موزون و پرمغز رحمانپور نشان‌دهنده تسلط بی‌مانند این شاعر بر شعر و موسیقی می‌باشد. کلام موزون او به قصد هم‌نشینی با موسیقی سروده می‌شود و وزن و اعتبار آثار این هنرمند برجسته لر، دقیقا از همین جا یعنی تسلط او بر هر دو عرصه، ترانه و موسیقی، نشأت می‌گیرد. او می‌داند از دایره گسترده واژگان، چه واژه‌هایی را برگزیند و چگونه در آغوش نت‌ها و سرانجام بر حنجره توانمندش بنشانند تا وحدت و نظم موسیقایی اثر از بین نرود. او به همین میزان در بازنویسی و نه بازخوانی مویه‌ها و نغمه‌های کهن موفق است بدون اغراق می‌توان از رحمانپور به عنوان یکی از اجتماعی‌ترین ترانه‌سرایان معاصر نام برد. کمتر رویداد یا پدیده اجتماعی را می‌توان به خاطر آورد که در ترانه‌های او رد پای بر جای نگذاشته باشد. از این منظر ترانه‌های او را می‌توان با ترانه‌های دوره مشروطه خواهی، که بیش از هر زمان دیگر انعکاس‌دهنده مسائل سیاسی و اجتماعی است، مقایسه کرد.

از دیگر خوانندگان بزرگی که اشعار دلیرانه را در سرزمین نَت به منصف ظهور رسانده استاد بزرگ رضا سقایی (متوفی 1386) می‌باشد. او که با شعر «دایه دایه وقت جنگه» عشق ایرانی و غیرت ملی را به جوش آورد و آوازه سروده‌اش به هرجایی که رگه‌ای از وطن‌پرستی می‌درخشد رسیده‌است. وی در اواخر جنگ ایران و عراق در شهر ازنا بر اثر اصابت ترکش یک بمب مجروح شد و تا پایان عمر به خاطر عوارض آن بیمار بود. در زیر به ابیاتی از این سروده ماندگار اشاره‌ای خواهیم داشت:

«زین برگم بونیت واو ماد یونم

زین و برگم را به مادیانم ببندید

خوَرَم بُوریتو سی هالوونم

خبر مرا برای دایی‌هایم ببرید

دایه دایه وقت جنگه

ای مادر، ای مادر هنگام جنگ است

دایه دایه وقت جنگه

ای مادر، ای مادر هنگام جنگ است

قطار که بالا سرم پورش ز شنگه

قطار بالای سرم پر از فشنگ است

د قلا کرده و در شمشیر و دسش

از قلعه بیرون زده و شمشیر به دست اوست

چیو طلا برق می زنه لقام اسبش

لگام اسبش مانند طلا برق می زنه

دایه دایه وقت جنگه

ای مادر، ای مادر هنگام جنگ است

دایه دایه وقت جنگه

ای مادر، ای مادر هنگام جنگ است

قطار که بالا سرم پورش ز شنگه

قطار بالای سرم پر از فشنگ است

نازیه ته سی بکو جومه برته

نازی، جامه سیاه بر تن کن

دور کردن تو قورسو شیر نرته

شیر مرد تو را در گورستان آویزان کرده اند

دایه دایه وقت جنگه

ای مادر، ای مادر هنگام جنگ است

دایه دایه وقت جنگه

ای مادر، ای مادر هنگام جنگ است

قطار که بالا سرم پورش ز شنگه

قطار بالای سرم پر از فشنگ است» (به نقل از ویکی‌پدیا، ذیل نام رضا سقایی)

از دیگر کسانی که در موسیقی ادبیات مقاومت لرستان نقش داشتند می‌توان از همت‌علی سالم (متوفی 1385) نام برد. او نوازنده کمانچه و یکی از چهره‌های سرشناس موسیقی لری، اشعاری را در وصف دلاوری‌های مردم لرستان سروده‌است. خدمت بزرگ او ارائه و انتقال بسیاری از مقام‌های موسیقی لری می‌باشد. همت‌علی سالم با بهره‌گیری از طبع شاعرانه‌ی خود سروده‌های حماسی را به شکل منظوم درآورده، به یادگار گذاشت. اشعار حماسی کوه شیشه در جنگ لرها (طایفه بیرانوند) با قوای نظامی رضاخان در چغلوندی لرستان از این دست می‌باشد که در زیر به ابیاتی چند از آن اشاره خواهیم داشت:

«قومیل امشو زیتربورن گرد بون چی همیشه

آردی حمله مکی صو شواره کوه شیشه»

ای قوم امشب زودتر جمع بشید دورهم مثل همیشه

اردوی نظامی حمله میکن صبح زود بسوی کوه شیشه

«ایمه کل بیرانون که هرگز حاشا دیریم

همه مون دشمنی و گرد رضا شا دیریم»

همه ما بیرانوند ها کی هرگز حاشا داریم

(که) همه مون دشمنی با رضا شاه داریم

«هر و قسم دُرو مردم خیال خام کردی

کل خونیل یکه تاز رضا خان اعدام کردی»

با قسم دروغ فکر مردم رو خام کرده

همه خان های یکه تاز رو رضا خان اعدام کرده.

همت‌علی سالم پس از سرودن اشعار حماسی فوق، بدلیل محتوای ضد حکومتی این اشعار و حساسیت و ممانعت حکومت رضاخان از اجرا و طرح آشکار آن، مدت کوتاهی آنها را بصورت مخفیانه و بشکل تصنیف برای لرها و در بین طوایف قرائت می‌کرد. استاد همت‌علی سالم با مینا قرار دادن این آهنگ، تصنیف «کرمی» (از مبارزان منطقه دلفان لرستان که در کبیرکوه با گروهی از الوار با ماموران هنگ لرستان درگیر شده بود) را طراحی و ساخت.

قدم خیر که پیش ازین به او اشاره شد، نمادی از دلاوری زنان لرستان است که افراد بسیاری در وصفش شعر سرودند؛ نوازندگان بومی بالاگریوه که آهنگ و شعر قدم خیر را در توصیف دلاوری‌های او سروده‌اند، نام این مقام موسیقی لری را نیز بنام او قدم خیر نهاده‌اند. اصولاً آهنگ‌های مقامی که بوسیله هنرمندان و نوازندگان بومی منطقه میان کوه و بالاگریوه ساخته شده‌اند، مانند اشعار هجایی یک نواخت نیستند، بلکه دارای ضربی آرام و کشش‌های کوتاه و بلند آوایی و موسیقایی با بار احساسی قوی هستند که بعلت جاذبه‌های متغییرش، شنونده را تحت تاثیر قرار می‌دهند بی‌آنکه نیازی به توجیه و توصیف باشند. این حالت از ویژگی‌های موسیقی میان کوه است زیرا مقام‌های حماسی دیگر نقاط لرستان دارای طنینی خشمگین و تند است (دایه دایه و مرشد خان). لذا آهنگ و ترانه قدم خیر هم دارای جاذبه‌های حسی موسیقایی است و هم موضوعی و توصیفی ترانه‌ای. از این جهت گاه از قدم خیر در موسیقی لرستان بعنوان اسطوره‌ای از ایل و تبار لر نام برده‌اند. از میان کسانی که ترانه قدم خیر را خوانده‌اند صدای ماندگار رضا سقایی، اسطوره آواز لرستان معروف‌تر از بقیه است. طنین دلکش و خوش‌آهنگ صدای استاد سقایی، و ترکیب آن با ضرب آرام و پر کشش آهنگ این ترانه و نیز ابیات خاطره‌انگیز حماسی و در عین حال عاشقانه آن هر شنونده‌ای را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

رضا سقایی نیز ترانه‌ای در وصف تفنگ دارد که طبق گفته بزرگان در زمان قدیم که خان و خان بازی بوده رسم بوده که در عروسی‌ها خان‌ها شرکت داشته باشند و اولین هدیه (ری گشون) را به عروس‌ها بدهند، در یکی از همین عروسی‌ها موقع دادن هدیه خان از عروس خوشش می‌آید و دستور می‌دهد عروس را بدزدند بعد از دزدیدن عروس داماد بیچاره تفنگ را برمی‌دارد و میرود که عروس را پس بگیرد و شروع می‌کند درد دل با تفنگش که این اثر همان درد دل آن جوان است که بعدها بصورت ترانه درآمد و با صدای دلنشین سلطان صدای لرستان رضا سقایی به اجرا درآمد. در زیر به ابیاتی از این شعر اشاره‌ای خواهیم داشت:

«تفنگ دردت به جونم تفنگ بی تو نمونم

تفنگ تا تونه دارم غم ندارم ای برارم رفیق روز روشن شو تارم

شاعر درد تفنگ را به جان می‌خرد و نمی‌خواهد بدون آن زنده باشد تفنگ برادر وفادر و رفیق شفیق شب‌های تار اوست. در شعر لری عاشق همه چیز را فدای معشوق می‌کند به جز تفنگ و اینجاست که عشق مغلوب حماسه می‌شود.

هر چی دارم قریونت غیر تفنگم یه امشو مهمونتم سحر و جنگم

چشم یار تفنگ است گیسوی او کمند است و تصنیف « تیه کال برنو» اوج این پیوند است. در اشعار لری هر جا سخن از یار است اسب و تفنگ هم به کار است.

چه خش اسب کهر دولول ته پر بزنی کوک و تهی ری خدمت گل

برگردان: چه خوشایند است که با تفنگ دولول و اسب کهر به شکار کبک و تیهو بپردازی و بعد بخدمت یار بروی.

وردارم پنج تیر پرون برم ومازه بزئم کوک من بال سی یار تازه

برگردان: تفگ پنج تیرم را بردارم و بر فراز تپه ها بروم و کبک در حال پرواز را برای محبوب تازه وصال شکار کنم.

برای عاشق و حماسه ساز لر بسی خوشایند است اگر ابزار جنگش را معشوقه به دستش دهد که از دید روانشناسی قابل توجه است.

گل بیا ز نارمه شال و قطارم مردن بند تشی ننگه وبارم»

برگردان: مردن در بستر و کنار آتش بر ای من ننگ آور است ای یار تفنگ و قطار فشنگ من را برایم بیاور.

نتیجه:

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد: قوم لر قومی اصیل بوده‌اند که قدمت آن‌ها به قبل از مادها می‌رسد و با نام کاسیت در این سرزمین زندگی می‌کردند هنر اصلی‌شان مفرغ سازی بوده‌است. از مفرغ‌های کشف شده می‌توان دریافت که این قوم روحیه‌ای جنگجو و سلحشور داشته‌اند. همین روحیه باعث ساختن ابزارآلاتی جنگی همچون تبر، نیزه، شمشیر... شده‌است. مناطق جغرافیایی اسکان این قوم نیز تأثیر زیادی بر خصوصیات رفتاری‌شان دارد، زندگی در کوهستان باعث شده که رفتار و افکار مردم لرستان به سوی قدرت سوق پیدا کند. نتیجه بارز این است که افکار بومی، عقاید قومی و فرهنگ مردم لرستان از گذشته تا به امروز یکنواخت بوده‌است در این فرهنگ شجاعت و رشادت در رأس قرار دارد، تفنگ و شمشیر نه وسیله‌ای برای تزئین و یا کشتار ناجوانمردانه، بلکه ابزاری برای رسیدن به عدالت است. عناصری چون شکار، طبیعت، کوهستان، مفرغ و ... در خون این مردم موج می‌زنند. تمام این عناصر با یکدیگر گره خورده، خوی جوانمردی و رشادت را در مردان و زنان لر به وجود

آورده است. آنها در هیچ دوره‌ای زیر بار سلطه دشمنان نرفته‌اند زیرا روحیه جگنجویانه‌شان مانع تسلط دشمن بر آنها می‌شده‌است. افکار سلحشورانه آنها نیز باعث خلق داستاهای حماسی بومی شده‌است. در قرون اخیر این فرهنگ بومی به تدریج به فرهنگ نوشتاری وارد شد و با شروع جنگ تحمیلی و فداکاری مردم لرستان در جنگ هشت‌ساله دفاع مقدس، اشعاری دال بر دفاع از وطن و فداکاری بی‌حدوحصر مردم این دیار سروده شد که به ادبیات مقاومت رونقی چشمگیر داد، زیرا هم از لحاظ جغرافیایی استان لرستان نزدیک‌ترین منطقه به استان خوزستان است و هم اینکه فرهنگ شجاعت و دلیری لرستان، باعث شد که مردم این منطقه بانهایت تلاش و کوشش به دفاع از سرزمین ایران بپردازند و این بود که سرزمین دلیران زاگرس پس از استان خوزستان بیشترین آمار شهید و مجروح را در تاریخ حماسه دفاع مقدس به یادگار گذاشت. شعر "دایه دایه وقت جنگه" سروده استاد ارجمند رضا سقایی نمونه بارزی از تلاش برای حفظ سرزمینمان است، و نباید از یادها فراموش شود که ادبیات مقاومت ایران مدیون احساسات وطن‌پرستانه مردم سلحشور این مرزوبوم است.

منابع:

- جمالی، مجید، (1373): حماسه لرستان، تهران، انتشارات صریر قلم، چاپ دوم.
- جمشیدی، احسان، (1387): تذکره سخنوران لرستان، خرم‌آباد، انتشارات اردیبهشت جانان، چاپ اول.
- دریکوند، روح‌الدین، (1384): بر بال ملائک (زندگینامه آیت‌الله حاج روح‌الله کمالوند)، خرم‌آباد، انتشارات فقه، چاپ اول.
- روزبه، محمدرضا، (1381): ادبیات معاصر ایران (شعر)، تهران، نشر روزگار، چاپ اول.
- سهرابی، محمد، (1376): لرستان و تاریخ قوم کاسیت، خرم‌آباد، انتشارات افلاک، چاپ اول.
- شمیسا، سیروس، (1378): نقد ادبی، تهران، انتشارات فردوس، چاپ چهارم.
- شفیع زاده، فتح‌الله، (1383): لرستان در شعر شاعران، تهران، انتشارات حروفیه، چاپ اول.
- صفا، ذبیح‌الله، (1384): حماسه سرایی در ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم.

عسکری عالم، علیمردان، (1390): چل سرو و چنه چنه (چهل سرود و چیستان)، خرم‌آباد، انتشارات افلاک، چاپ دوم.

علیپور، محمدکاظم، (1376): بر چکاد بلند زاگرس، تهران، انتشارات اهل قلم، چاپ اول.

گیریشمن، رومن، (1386): ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه دکتر محمدمعین، تهران، انتشارات نگاه، چاپ دوم.

لشنی، علی، (1387): دلاور زاگرس، خرم‌آباد، انتشارات شاپورخواست، چاپ اول.

محمد پناه، بهنام، (1388): کهن دیار (مجموعه آثار ایران باستان در موزه‌های بزرگ جهان)، تهران، انتشارات سبزان، چاپ اول.

مجلات:

انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، (1371): فولکلور، نشریه فرهنگ و هنر «کلک»، شماره 25 و 26، از صفحه 22 تا 34.

جعفری (قنواتی)، محمد، (1384): تعریف فرهنگ عامه یا تعیین موضوعات آن، نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری «کتاب ماه کودک و نوجوان»، شماره 91، از صفحه 102 تا 105.

زیودار، علی، (1376): چل سرو سرود سرنوشت، نشریه فرهنگ و هنر «شعر» ف شماره 21، از صفحه 96 تا 100.

منابع اینترنتی:

<http://www.loresoon.blogfa.com>

<http://fa.wikipedia.org>

<http://www.cheginiha.blogfa.com>

<http://sherlori.blogfa.com>